

تبیین مفهوم تشکیلات جامعه زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

نسترن هدایت نسب^۱

چکیده

مسئله انتظار، مهم‌ترین استراتژی عصر غیبت و محوری‌ترین رکن حیات دینی و آینده‌پژوهی شیعیان است و مهم‌ترین لازمه مفهوم انتظار، زمینه‌سازی ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. وجود تشکیلات زمینه‌ساز ظهور، در جایگاه روش درست زمینه‌سازی، نقطه مقابل نگرش مبتنی بر عدم ضرورت زمینه‌سازی و نیز نگرش فردمحور است. تشکیلات زمینه‌ساز ظهور، یک نوع سازمان به معنای جامعه‌شناختی آن است که ساختار، نسبت اعضا، نوع فعالیت و اهداف آن را زمینه‌سازی ظهور به عنوان تکلیف دینی و نیز ضرورت شیعه‌گری تعیین می‌کند.

همه فعالیت‌ها در این تشکیلات، در راستای بسط ید امام معصوم، همراه با پذیرش ابعاد مختلف زمینه‌سازی و پذیرش تنوع ظرفیت افراد است که همزمان می‌تواند تأمین‌کننده همبستگی و هماهنگی درون‌سازمانی باشد. در تشکیلات زمینه‌ساز ظهور، فعالیت‌هایی تعریف می‌شوند که در مقایسه با فعالیت ظهور، حالت بالقوه داشته باشند و مستقیماً بتوانند در تحقق ظهور تأثیر بگذارند. فواید و ویژگی‌های تشکیلات زمینه‌ساز در مجموع این است که به امور فردی، ماهیت جمعی می‌بخشد. در این مقاله تبیین مفهومی مؤلفه‌های تشکیلات جامعه زمینه‌ساز ظهور به روش توصیفی-تحلیلی صورت می‌گیرد.

واژگان کلیدی: تشکیلات، جامعه زمینه‌ساز، انتظار، مهدویت.

^۱. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه امیرالمؤمنین علیه السلام اهواز (nhedaiatnasab@yahoo.com).

شناخت مفاهیم کلیدی به کاررفته در این مقاله، نظیر مفهوم «تشکیلات»، «زمینه‌ساز» و «جامعه زمینه‌ساز» کمک می‌کند تا تصور روشن‌تری از مفهوم تشکیلاتی جامعه زمینه‌ساز ظهور داشته باشیم؛ لذا به تعریف و بازشناسی سه مفهوم زمینه‌سازی، جامعه زمینه‌ساز و تشکیلات خواهیم پرداخت و سپس ضرورت تشکیل جامعه زمینه‌ساز و ویژگی‌های آن را بیان خواهیم کرد.

جامعه زمینه‌ساز، به این سبب، کلیدی است که بر نقش جمعی ساز و کارها تأکید می‌شود و مفهوم تشکیلات از این رو کلیدی است که ساز و کارها در قالب تشکل و سازمان یا تشکیلات، قابل تعریف است.

اخیراً موضوع زمینه‌سازی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیوم در میان شیعیان پررنگ شده و یکی از ساز و کارهای تحقق جامعه زمینه‌ساز ظهور، تشکیلات مهدوی است. تشکیلات مهدوی اصطلاحاً به نهادها و سازمان‌ها و گروه‌هایی می‌گوییم که حالت جمعی دارند و هدف بنیادین آن‌ها که عامل اجتماع آن‌هاست، تلاش برای تحقق ظهور است.

با این توصیف، مسئله این است که زمینه‌سازی ظهور مهدوی، چگونه قابل تحقق است؟ می‌توان دو نگرش در این مورد را تفکیک کرد: نگرش نخست که اصولاً زمینه‌سازی را باور ندارد و بر این اعتقاد است که ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الیوم یک پدیده مشروط به عوامل مادی نیست و اراده انسانی در این امر دخالت ندارد. نگرش دوم در نقطه مقابل آن، تأکید می‌کند که اراده الهی و نقش امدادهای غیبی و معجزات در تحقق ظهور، انکارشدنی نیست؛ ولی وجود شرایط مناسب و رفع موانع در جامعه بشری، جزو عوامل تأثیرگذار است. چنانکه غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الیوم به سبب نبود شرایط و وجود موانع بوده است، تحقق شرایط و رفع موانع نیز سبب می‌شود که غیبت رفع شود زمینه ظهور فراهم گردد.

در نگرش دوم، دوگونه موضع‌گیری مشاهده می‌شود: طبق موضع اول، زمینه فردی برای تحقق ظهور کفایت می‌کند و اگر افراد بکوشند هر یک به تنهایی خود را اصلاح کنند، مصلح نهایی موعود ظهور خواهد کرد؛ ولی موضع دوم، بر زمینه جمعی تکیه دارد و زمینه فردی را کافی نمی‌شمارد. نصرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الیک در قیام جهانی آن حضرت، نیازمند ساز و کارهای تشکیلاتی گسترده است و شیعیان موظفند به عنوان منتظران واقعی و در راستای آمادگی ظهور، فعالیت تشکیلاتی داشته باشند.

مقاله حاضر در تلاش است به تبیین مفهومی تشکیلات جامعه زمینه‌ساز ظهور دست یازد. در واقع تنظیم و ترسیم هرگونه ساز و کار، منوط به داشتن پشتوانه مفهومی در باب تشکیلات است. نسبت زمینه‌سازی، تشکیلات و جامعه زمینه‌ساز، ما را به شناخت مفهوم تشکیلات زمینه‌ساز رهنمون خواهد شد.

پیشینه تحقیق در این مقاله، نیازمند بازجست دو مفهوم محوری است: مفهوم جامعه زمینه‌ساز ظهور و مفهوم تشکیلات. در باب مفهوم جامعه زمینه‌ساز ظهور، منابع بیشتری وجود دارد؛ ولی در باب تشکیلات، تحقیقات بسیار کمی انجام گرفته است و منابع کمتری در دسترس می‌باشد؛ درحالی که جنبه نوآوری این پژوهش آن است که زمینه‌سازی را منوط به داشتن تشکیلات دانسته و هدفش تبیین مفاهیمی است که در تحقق جامعه زمینه‌ساز ظهور حضرت، ضروری و تأثیر مثبت دارد. بر این اساس طبق بررسی صورت گرفته تا کنون به صورت مستقیم تحقیق علمی و مشخصی درباره مفاهیم و بازتعریف تشکیلاتی منوط به زمینه‌سازی ظهور حضرت عجل الله تعالی فرجه الیک انجام نشده و در واقع مباحث این مقاله، اولین نکات کاربردی را در موضوع مذکور ارائه می‌دهد.

در این مقاله سعی شده است مباحث در سه قسمت مطرح گردند:

در قسمت اول، در باب مفهوم تشکیلات از منظر لغت‌شناسان به چهار تعریف و همچنین از منظر اصطلاحی، ده تعریف تبیین شده است. در قسمت دوم به معنای زمینه‌ساز در لغت و اصطلاح و همچنین جامعه زمینه‌ساز بازتعریف شده است. البته برای روشن شدن بحث، به ویژگی، فواید و ضرورت جامعه زمینه‌ساز اشاره گردیده و با توجه به حضور در جامعه قبل از ظهور و پذیرش دین مبین

اسلام، ضرورت این جامعه زمینه‌ساز در دو قسمت شرح داده شده است؛ یکی به عنوان مقدمه ظهور و دیگری به عنوان تکلیف دینی. در پایان نیز به بحث ضرورت داشتن اجتماع و تشکیلاتی برای نزدیک شدن امر ظهور اشاره شده است.

تعریف تشکیلات

تعریف لغوی

در تعاریف لغوی به شش مورد می‌توان اشاره کرد:

۱. واژه «تشکیلات» از واژگان نوپدیدی است که وارد ادبیات سیاسی و اجتماعی کشور شده است. قبل از این واژه «تشکل» مرسوم بود. این کلمه جمع مؤنث واژه «تشکیل» است که ماده آن «شکل» است. در کتاب لسان العرب، واژه «شکل» را به معنای شباهت و همانندی دانسته است.^۱
۲. در کتاب المفردات، واژه شکل را به معنای نوعی خاص از شباهت و همانندی دانسته و بین سه واژه «شکل»، «ند» و «شبه» تفاوت قائل شده است؛ «ند» به معنای شباهت در جنسیت، «شبه» به معنای شباهت در کیفیت و «شکل» به معنای شباهت در صورت است.^۲
۳. واژه تشکل از باب تفاعل است. معنای غالب آن را مطاوعه دانسته و به «شکل گرفتن» معنا کرده‌اند.^۳
۴. واژه تشکیل را که در باب تفعیل است و معنای غالب آن را تعدیه دانسته‌اند، باید به معنای شکل دادن دانست. کتاب المنجد، تشکیله را به معنای مجموعه دانسته است.^۴
۵. تشکیل. سازمان‌های مختلف، ادارات و مؤسسات.^۵

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۳۵۷.

۲. راغب اصفهانی، المفردات، ص ۴۶۲.

۳. بستانی، المنجد، ص ۲۳۱.

۵. همان.

۵. فرهنگ معین، ص ۱۱۵.

با توجه به موارد مذکور، احتمال درست این است که تشکیلات، جمع تشکیله باشد، نه تشکیل. در هر صورت معنای واژه تشکل و تشکیلات در لغت، داشتن صورت و هیئت خاصی است.

تعریف اصطلاحی

بدیهی است که با معنای لغوی نمی‌توان مباحث نظری را در باب تبیین مفاهیم تشکیلاتی مطرح کرد و نیاز به معنای اصطلاحی آن وجود دارد. بر اساس مطالعات انجام شده، واژه تشکیلات جزو واژگان کلیدی است که در سال‌های اخیر، رهبر معظم انقلاب بارها به لزوم آن تصریح و تأکید کرده‌اند. ایشان در توصیه به تشکل‌های فرهنگی، کار دسته جمعی را از خصوصیات بارز شهید بهشتی دانسته‌اند. از نظر ایشان، منظور از تشکیلات، وجود مجموعه و گروه است و منظور از کار تشکیلاتی، یعنی کار گروهی و دسته‌جمعی که نتیجه همفکری و همکاری چند نفر باشد، نه کار انفرادی.

منظور از تشکیلات، یک گروه و مجموعه انسانی است و معمولاً در عُرف، همین معنا از تشکیلات برداشت می‌شود. نزدیک‌ترین واژه به تشکیلات، «سازمان» است. واژه سازمان، اصطلاحی است که در علوم مدیریت و جامعه‌شناسی کاربرد دارد. هم‌پوشانی دو واژه سازمان و تشکیلات و لزوم تبیین تعریفی جامع از واژه تشکیلات، نیازمند واکاوی تعاریف سازمان در مدیریت و جامعه‌شناسی است. بر این اساس، تعاریف بیان شده از واژه سازمان را بررسی خواهیم کرد.

۱. بروس کوئن مفهوم «نهاد» را از مفهوم «سازمان» تفکیک کرده است. نهادها نظام‌هایی از هنجارها و ارزش‌هایی هستند که به جامعه در شناخت و وصول به اهداف معینی کمک می‌کنند. پنج نهاد اصلی عبارتند از: نهاد خانواده، نهاد آموزش و پرورش، نهاد دینی، نهاد اقتصادی و نهاد حکومتی. اما سازمان‌های رسمی، متشکل از گروه‌هایی از افراد - نه نظام‌های هنجاری و ارزشی - است که تلاش‌های خود را برای دستیابی به هدف تعریف شده و کاملاً مشخص هماهنگ می‌کنند.

۱. دهخدا، لغت‌نامه، ص ۱۲۰.

سازمان‌های رسمی نسبتاً وسیع هستند و دارای قوانین و مقررات معین و سلسله مراتب مشخصی از اقتدار و مسئولیتند.^۱

بنا بر تعریف کوئن، سازمان باید چند مؤلفه اصلی داشته باشد:

- شکل گروهی؛ به فعالیت‌های انفرادی و تک رو، سازمان گفته نمی‌شود.
- هدف تعریف شده؛ وجود هدف به این دلیل ضروری است که عامل اشتراک و پیوند اعضای سازمان است و همه آن‌ها را به یکدیگر متصل می‌کند.
- تلاش هماهنگ؛ فعالیت‌های غیرهماهنگ، خودمحرانه و در تضاد با هدف تعریف شده و سایر افراد، باعث برهم خوردن نظم سازمان خواهد شد و نه تنها هدف را محقق نخواهد ساخت، بلکه سازمان را از تعریف خود خارج خواهد کرد.

چنانکه بروس کوئن می‌گوید، برای اینکه سازمان، این سه مؤلفه اصلی را حفظ کند و به بقا و حیات خود ادامه دهد، اولاً نیازمند وجود قوانین و مقررات معین است تا اهداف و وظایف افراد را مشخص کند؛ ثانیاً نیازمند وجود سلسله مراتب مسئولیت و اقتدار است تا جایگاه هر کس در مجموعه مشخص باشد و کارهای موازی، غیرهماهنگ و دارای تداخل صورت نگیرد.

۲. محمدحسن نبوی در تعریف سازمان نوشته است: سازمان، مجموعه مرکبی است از واحدهای

جزئی که هر یک به سود بقیه، عهده‌دار انجام کار معین می‌باشند.^۲

در این تعریف بر دو مؤلفه اصلی سازمان تأکید شده است:

- مجموعه مرکب از واحدهای جزئی
- تقسیم وظایف

۸. بستانی، المنجد، ص ۲۳۱.

۲. نبوی، مدیریت اسلامی، ص ۷۷.

• در این تعریف، در مقایسه با تعریف بروس کوئن، مؤلفه هدف حذف شده است و تأکید بر وظایف و تکالیف افراد در قبال دیگران است. چند اشکال در این تعریف وجود دارد: اشکال اول اینکه از افراد و اعضای سازمان به «واحدهای جزئی» تعبیر کرده است. باید توجه داشت که یک مجموعه انسانی یک مجموعه اشیا یا ابزار یا کالا نیستند که به صورت مکانیکی کاری را که به آن‌ها محول شده است انجام دهند. انسان‌ها دارای دو بعد روح و جسم و متشکل از باورها، ذهنیت‌ها و واکنش‌ها هستند و اسم بردن از آن‌ها به عنوان واحد جزئی صحیح نیست. اشکال دوم اینکه تقسیم وظایف افراد بر چه اساسی باید صورت گیرد؟ هریک از اعضای سازمان باید

وظیفه‌ای مشخص و هماهنگ با دیگران داشته باشد؛ اما اگر هدف تعیین شده و قوانین وجود نداشته باشد، افراد چگونه به وظایف خود آگاه شوند؟ مؤلفه «هدف» که از عناصر محوری مفهوم سازمان است در این تعریف حذف شده است؛ لذا باعث ابهام در تقسیم وظایف گردیده است.

۳. ساسان ایران نژاد پاریزی، سازمان را به «ساخت هدف‌دار نقش‌ها»^۱ تعریف کرده است. این تعبیر بدین معناست که افراد، نقش‌های مشخصی را ایفا می‌کنند و باید این نقش‌ها به صورت هدف‌دار طرح‌ریزی شوند، تا ضمن تناسب فعالیت‌ها، افراد همکاری کارآمد و مؤثری داشته باشند.^۲

در این تعریف بر مؤلفه «نقش» تأکید شده است. چنانکه جامعه‌شناسان گفته‌اند انسان‌ها در جامعه از یک سو دارای نقش هستند؛ یعنی باید کارهایی بابت نقش خود انجام دهند. انسان وقتی در یک سازمان قرار می‌گیرد نقش خاصی پیدا می‌کند و این نقش خاص بابت هدف سازمان به وی داده می‌شود؛ برای مثال اگر در یک سازمان هنری، هدف این باشد که تولیدات خود را به دو صورت مجازی و حقیقی نشر دهند، لازم است دو فرد تعیین شوند که یکی نشر تولیدات هنری در فضای مجازی را بر عهده گیرد و یکی در فضای حقیقی.

۱. شفیع، رویکرد دینی به سازماندهی، فصلنامه حوزه و دانشگاه علوم انسانی-اجتماعی، ص ۱۲۶.

۲. آقا پیروز و دیگران، مدیریت در اسلام، ص ۸۸.

۴. برخی بر این باورند که «سازمان، پدیده‌ای اجتماعی است که به طور آگاهانه، هماهنگ شده و حدود و ثغور نسبتاً مشخصی در راستای تحقق اهداف بر اساس یک سلسله مبانی دائمی فعالیت می‌کند».^۱

در این تعریف بر چند مؤلفه سازمان تأکید شده است:

- آگاهی
- حدود و ثغور مشخص
- هدف یا اهداف
- مبانی دائمی
- هماهنگی

نکته محوری در این تعریف، تأکید بر عنصر آگاهی است. شکل‌گیری سازمان به نحوی که متضمن معنای انسجام و هماهنگی باشد، موقوف به فعالیت آگاهانه است.

آگاهی اعضای سازمان در سه سطح، قابل ردیابی است: سطح آگاهی به هدف یا اهداف، سطح آگاهی به وظایف و کارویژه‌های شخصی و گروهی، و سطح آگاهی به ماهیت سازمان و عضویت در آن. فعالیت ناآگاهانه، در ضدیت با انجام وظایف و کارویژه‌ها و نیز انسجام درونی است.

انتقادی که به این تعریف وارد است این است که سازمان را یک پدیده اجتماعی دانسته است و مشخص نیست تفاوت این پدیده اجتماعی با گروه و نهاد چیست و نیز تفاوت فعالیت سازمانی با سایر فعالیت‌های اجتماعی که آن‌ها نیز پدیده‌اند در چیست؟ کلمه پدیده اجتماعی بسیار کلی و مبهم است و بهتر است سازمان را در وهله اول یک مجموعه افراد بدانیم، نه پدیده.

۵. «سازمان، یک نهاد اجتماعی هدفدار و سیستمی است که به سبب داشتن یک ساختار آگاهانه، فعالیت‌های خاصی انجام می‌دهد و مرزهای شناخته‌شده‌ای دارد».^۲

۱. همان.

۲. همان.

در این تعریف سازمان چند عنصر اصلی دارد:

- نهاد اجتماعی: مقصود از نهاد اجتماعی یک نظام سازمان یافته اجتماعی است با کارکردهای معین.^۱
- هدفمندی.
- سیستم یا ساختار آگاهانه: معنای سیستم فعال این است که کارها و فعالیت‌های خاص می‌کند و دو فرایند تفکیک و ادغام در آن مشخص است.^۲
- مرزهای مشخص: مرزهای سازمان، تعیین کننده عوامل و ارکان درونی و بیرونی آن می‌باشند.^۳

در این تعریف بر عنصر سیستم و آگاهانه بودن تأکید شده است. ویژگی یک نظام یا سیستم اجتماعی یا ساختار این است که اجزای آن، مشخص است و هر یک دارای نسبت مشخص با دیگران و نقشه مشخص می‌باشد که از قبل تعیین شده است؛ لذا هر کسی نمی‌تواند به سلیقه و خواست خود نقش و فعالیتش را تغییر دهد یا برای دیگران تعیین وظیفه کند. همه این امور بر اساس ساختار آگاهانه از پیش تعیین شده، معین خواهد شد. در مجموع، اگر از نقاط ابهام و ضعف تعاریف یاد شده بگذریم، می‌توان سازمان را به این صورت تعریف کرد:

سازمان عبارت است از مجموعه افراد که به صورت آگاهانه، در راستای تحقق اهداف معین و بر اساس ساختار و سیستم معین فعالیت می‌کنند. چنانکه معلوم است در این تعریف سازمان دارای چهار مؤلفه محوری است:

- مؤلفه مجموعی و جمعی
- مؤلفه آگاهانه بودن

^۱. آقا پیروز و دیگران، مدیریت در اسلام، ص ۸۸.

^۲. همان، ص ۸۹.

^۳. همان.

• مؤلفه هدفمندی

• مؤلفه وجود ساختار و نظام‌مندی

در تشکیلات، همیشه حالت گروهی و مجموعه بودن و نیز فعالیت گروهی و دسته‌جمعی وجود دارد؛ اما باید توجه داشت که هر فعالیت گروهی صحیح نیست و نتیجه نمی‌دهد. فعالیت گروهی در صورتی مطلوب و نتیجه‌بخش است که اولاً آگاهانه باشد، نه از روی احساسات، توهم و تحت تأثیر القانات بیرونی؛ ثانیاً هدفمند باشد تا هم افراد را به کار تشویق کند و هم سبب بقای سازمان شود. سازمان‌های بدون هدف، همچون مجموعه‌ای مکانیکی از اشیا و کالاها خواهند شد یا همچون افرادی هستند که در یک اتوبوس نشسته‌اند و با یکدیگر تعامل هدفمند ندارند؛ و ثالثاً نظام‌مند باشد، تا جلوی تعارض، هرج و مرج و از هم پاشیدگی را بگیرد و وظایف افراد و حدود فعالیت آن‌ها را مشخص کند. با این توصیفات تعریف سازمان و تشکیلات به طور تقریبی یکسان است و آنچه درباره سازمان و مؤلفه‌های آن گفته شده است، می‌توان عیناً درباره تشکیلات به کار برد؛ پس تعریف تشکیلات بر اساس تعاریفی که از سازمان به دست آوردیم عبارتند از مجموعه افرادی که در ساختار آگاهانه و مشخصی از همکاری کارآمد برای تحقق اهداف معین همراه با فعالیت خاصی هستند.

با توجه به مفاهیم و تعاریف سازمان، تعریف کلی از تشکیلات مد نظر جامعه قبل از ظهور حضرت، ذکر شد. در این تعریف مبنای اصلی، سرمایه‌های انسانی هستند که در ابتدا این سرمایه‌های انسانی با مقبولیت پیش فرض‌های اولیه فکری به ساخت نگرش ذهنی خویش موفق می‌شوند که این نگرش ذهنی بر اساس مبانی اسلامی تعریف گردیده و به مجموعه معرفی می‌شود و در مرحله تشخیص با همکاری و ارتباطات مؤثر برای رسیدن به اهداف معین، به فعالیت و سازماندهی می‌انجامد؛ بر این اساس، تشکیلات عبارت است از جمع‌بندی کلیه تعاریف سازمان با حذف مؤلفه‌های گفته‌شده.

زمینه‌سازی ظهور

تعریف لغوی

زمینه‌سازی در لغت، به معنای به وجود آوردن و فراهم کردن مقدمات و شرایط انجام دادن امری است.^۱

تعریف اصطلاحی

در باب تعریف اصطلاحی زمینه‌سازی ظهور، تعاریف متعدّدند. ابتدا به برخی از این تعاریف اشاره و سپس تعریف مطلوب را بیان خواهیم کرد:

۱. مراد از زمینه‌سازی در این نوشتار، ایجاد و گسترش هرگونه عقیده و رفتار در جامعه است که به نحوی موانع ظهور را کم‌رنگ یا برطرف کند یا برای نزدیک‌تر شدن ظهور مقتضی و سبب شود. با چنین تعریفی، گستره وسیعی از عقاید و رفتارها، زمینه‌سازی محسوب می‌شود.^۲

۲. زمینه‌سازی در لغت به معنای فراهم کردن بسترها و مقدمات یک امر است. بر این اساس، زمینه‌سازی ظهور نیز به معنای فراهم کردن مقدمات ظهور و بسترهای لازم برای ظهور است؛ یعنی فراهم کردن آنچه که به واسطه آن، حاکمیت معصوم تحقّق می‌پذیرد و امام، بسط ید می‌یابد و امرش نافذ می‌شود.^۳

۳. زمینه‌سازی در زبان فارسی به معنای مقدمه‌چینی، فراهم‌سازی و تهیه مقدمات برای منظوری آماده است؛^۴

۱. انوری، ۱۳۸۱، ج ۵، ص ۳۸۷۷.

۱. آصف‌آگاه، بررسی شاخص‌های جامعه زمینه‌ساز ظهور با تأکید بر روایات نصرت، ص ۶.

۲. آیتی، مفهوم‌شناسی اصطلاح جامعه زمینه‌ساز، مشرق موعود، شماره ۲۰، ص ۵۱.

۳. دهخدا، لغت‌نامه، ج ۴۳، ص ۲۱۳ (ماده وطأ).

۴. مراد از زمینه‌سازی برای ظهور این است که در تک‌تک افراد و در مجموع جامعه، زمینه‌ها و مقدمات و شرایط لازم برای تحقق ظهور ایجاد شود.^۱

۵. زمینه‌سازی برای ظهور هرگز بدین معنا نیست که افراد با خواست خود و بدون توجه به مشیت الهی امر ظهور را به جلو بیندازند و در آن تعجیل کنند؛ بلکه به معنای آماده کردن جامعه است تا در هنگام ظهور، دچار سرخوردگی نشوند؛ بنابراین زمینه‌سازی به معنای شناخت وظایف و انجام تکالیف و آماده شدن برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. پس لازم است به وظایفی که در زمان غیبت بر دوش ما گذاشته و از ما خواسته شده است، عمل کنیم تا در ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شتاب لازم - البته با خواست و مشیت الهی - پدید آید. در حقیقت می‌توان گفت زمینه‌سازی برای ظهور و آمادگی برای آن، تحول مثبتی است که در جامعه ایجاد می‌شود و می‌تواند مصداقی از مصادیق تغییر در نفوس امت به شمار آید.^۲

۶. هرگونه فعالیت و حرکتی را که به ظهور کمک کند، زمینه‌سازی گویند.^۳

۷. معنای زمینه‌سازی فقط ادای تکلیف و وظیفه شرعی نیست؛ بلکه مقصود از آن، آماده‌سازی مجموعه گزاره‌ها، اندیشه‌ها، طرح‌ها، دستورالعمل‌ها، رویکردها و دیگر عوامل مؤثر در تعجیل ظهور است.^۴

۸. زمینه‌سازی، آماده کردن خود و جامعه و فراهم ساختن لوازم، عوامل و شرایط یک خیزش عمومی و جهانی و حرکت به سمت تشکیل جامعه فاضله اسلامی به رهبری مصلح کل و منجی موعود،

۱. ملکی راد، زمینه‌سازی و آمادگی برای ظهور، ص ۳.

۱. همان، ص ۶.

۲. تقفی، الگوی مطلوب جامعه منتظر و زمینه‌ساز از دیدگاه مقام معظم رهبری، ص ۱۰.

۴. صمدی، بایسته‌های ظهور، ص ۱۲۰.

حضرت مهدی عجل الله فرجه می باشد که مستلزم کار سیاسی قوی و فراگیر است و انقلاب اسلامی ایران، می تواند طلیعه مبارکی برای این امر باشد.^۱

۹. زمینه سازی ظهور یعنی فراهم ساختن و ایجاد مقدمات و اسباب و علل ظهور؛ به گونه ای که شرایط برای تحقق ظهور و خارج شدن امام از پرده غیبت، هموار باشد، تا امام بتواند حرکت خود را آغاز کند و حکومت جهانی اش را تحقق بخشد.^۲

۱۰. حقیقت انتظار، همان آمادگی و زمینه سازی است و برای زمینه سازی، به چیزی بیش از روایات انتظار (أفضل الاعمال انتظار الفرج، افضل جهاد امّتی انتظار الفرج) نیازی نیست. علاوه بر این ها در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (يخرج الناس من المشرق فيوطنون للمهدي يعني سلطانه) از واژه «یوطنون» از مصدر «وطأ»، به معنای زمینه سازی استفاده شده است. زمینه سازی در لغت فارسی به معنای مقدمه چینی، آماده ساختن، تهیه مقدمات برای منظوری است؛ اما در لغت عرب با توجه به ویژگی لغوی «وطأ»، نه هر زمینه سازی، بلکه زمینه های چیزی را کاملاً فراهم کردن و راه را از هر جهت هموار کردن و بر آن تسلط داشتن است. ظهور در اینجا در برابر غیبت، به معنای آشکار شدن امام است.^۳

از بین تعاریف ذکر شده، تعریف چهارم و هشتم از زمینه سازی با موضوع مقاله، سازگاری بیشتری دارد؛ بنابراین در این پژوهش، تعاریف چهارم و هشتم را ملاک قرار خواهیم داد. بر این اساس در مفهوم زمینه سازی، دو مؤلفه اهتمام به وظایف و تکالیف و ایجاد همه اسباب و بسترهای ظهور نهفته است. اهتمام به وظیفه و بستر سازی، باعث تحول و آماده سازی جامعه خواهد شد و به خروج از دوران غیبت و وصول به دوران ظهور خواهد انجامید.

۱. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۳۲۷.

۲. پورسیدآقایی، زمینه سازی ظهور، مشرق موعود، شماره ۱۰، ص ۲۰.

۳. پورسیدآقایی، زمینه سازی ظهور، مشرق موعود، شماره ۱۰، ص ۲۰.

۳. جامعه زمینه‌ساز

«جامعه زمینه‌ساز به جامعه‌ای گویند که بسترهای حاکمیت و بسط ید معصوم را فراهم کرده باشد.»^۱

بسط ید معصوم و تحقق حاکمیت جهانی، مستلزم وجود جامعه‌ای است که زمینه‌سازی ظهور به عنوان محور اهداف و فعالیت‌ها در آن، نهادینه شده باشد.

۱. ضرورت جامعه زمینه‌ساز

زمینه‌سازی در مفهوم کلی آن، به معنای هرگونه مقدمه‌چینی و بسترسازی و آمادگی برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الیه است؛ از این معنا دو برداشت وجود دارد:

برداشت اول، این است که زمینه‌سازی، صرف مهیا بودن و آمادگی برای ظهور است بدون اعتقاد به تأثیرگذاری این آمادگی در ظهور و مقصود، آمادگی از نظر معرفتی، اخلاقی و رفتاری و مهیا بودن برای پذیرش امر معصوم است.^۲ در این برداشت، فقط بر مؤلفه‌های فردی تأکید می‌شود و فرض بر این است که عوامل اجتماعی در امر ظهور دخالتی ندارد و حتی ممکن است جریان عوامل اجتماعی مثل گسترش ظلم و ستم به گونه‌ای باشد که ظاهراً مخالف امر ظهور تلقی شود. آمادگی و زمینه‌سازی فردی، تنها منحصر به دو بعد تقویت معرفت و اصلاح رفتار فرد است و باید از سوی خود فرد انجام شود. هدف در این آمادگی، فقط پذیرش امر ولایت معصوم است؛ چون طبق این برداشت، داشتن معرفت و اخلاق حسنه باعث قبول ولایت معصومان علیهم‌السلام می‌شود و همین دو عامل در تحقق ظهور، کافی است. برداشت دوم این است که زمینه‌سازی به معنای ایجاد مقدمات ظهور است، با اعتقاد به اینکه آمادگی در تحقق ظهور تأثیر دارد.^۳ در این برداشت، وجود عنصر معرفت و اخلاق در فرد، لازم است؛

۱. آیتی، مفهوم‌شناسی اصطلاح جامعه زمینه‌ساز، ص ۵۱.

۲. نعمتی، تحلیل و بررسی مسأله لزوم یا عدم لزوم زمینه‌سازی برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الیه، ص ۱۵.

۳. همان.

ولی کافی نیست. همچنین هدف زمینه‌سازی، پذیرش امر ولایت معصوم است؛ ولی امور دیگر نیز وجود دارد که ذکر نشده است. گفته می‌شود مقدمات ظهور، هم به زمینه‌های فردی ربط دارد و هم به زمینه‌های اجتماعی. اصلاح فرد بدون اصلاح جامعه کفایت نمی‌کند. به علاوه، زمینه‌سازی، هم باید به پذیرش ولایت معصوم بینجامد و هم به تحقق دولت کریمه، حاکمیت جهانی و تعالی همه‌جانبه انسان‌ها با نقش‌آفرینی در تحولات.

این دو برداشت را به این صورت می‌توان بیان کرد که دو نگرش به زمینه‌سازی فردی و اجتماعی وجود دارد؛ در نگرش اول، زمینه‌سازی ضرورت دارد و از طریق ایجاد مقدمات در فرد و جامعه، تحقق می‌یابد و در نگرش دوم، زمینه‌سازی ضرورت ندارد؛ چون به صورت ناگهانی، به امر و امداد غیبی خداوند و بدون نیاز به علل اجتماعی شکل می‌گیرد.

پایان‌نامه‌ای با عنوان «تحلیل و بررسی مسئله لزوم یا عدم لزوم زمینه‌سازی برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الیوم» این دو نوع نگرش را تفکیک کرده است و از نگرش ضرورت داشتن زمینه‌سازی دفاع می‌کند؛ به این دلایل:

اولاً، زمینه‌سازی از جنس فعل است، نه انفعال؛

ثانیاً، امری انتخابی و اختیاری است، نه معجزه‌گونه؛

ثالثاً، آگاهانه است؛

رابعاً، در راستای بالا بردن سطح تحمل‌پذیری مردم در امر ولایت و رشد جامعه در این محور است؛

خامساً، با هدف ایجاد شرایط ظهور معنا می‌یابد؛

سادساً، سوای نتیجه ظهور، زمینه‌سازی یک تکلیف است؛

لذا با توجه به ادله عقلی و نقلی زمینه‌سازی، ضرورت اسلام و قرآن است.^۱

۱. همان، ص ۱۸۶ و ۱۸۷.

پایان نامه‌ای دیگر با عنوان «بررسی جهانی شدن و زمینه‌های مثبت و منفی آن در شکل‌گیری انقلاب جهانی حضرت مهدی (عجالت‌الله‌عنه)» سه نگرش را تفکیک کرده است: نظریه انفجاری بودن که ظهور را معلول اراده الهی می‌داند، نظریه تکامل طبیعی و تدریجی بودن که عوامل طبیعی و جبری مثل تکامل عقل بشر و آمادگی جوامع مختلف برای پذیرش حکومت عدل را علت زمینه‌ساز ظهور می‌شمارد و نظریه اختیاری بودن که ظهور را معلول اراده انسان‌ها می‌داند.^۱

به نظر می‌رسد نظریه تکاملی بودن و اختیاری بودن هر دو در این معنا مشترکند که ظهور را وابسته به مقدمات و آمادگی انسان‌ها می‌دانند و تفاوت آن‌ها در نحوه تبیین مقدمات و علل است. براساس مقاله «مفهوم‌شناسی اصطلاح جامعه زمینه‌ساز» تشکیل جامعه زمینه‌ساز از دو منظر ضرورت دارد:

چون ظهور اتفاق خواهد افتاد، پس تشکیل جامعه زمینه‌ساز ظهور ضرورت دارد و اساساً دین، تکالیفی

را بر عهده انسان‌ها نهاده و ما را به انجام مسئولیت‌های دینی موظف کرده و انجام چنین مسئولیت و تشکیل چنین جامعه‌ای از لحاظ مصداقی همان جامعه زمینه‌ساز است.^۲ اگرچه میان تحقق جامعه زمینه‌ساز و ظهور هیچ ارتباطی وجود نداشته باشد، از لحاظ مسئولیت دینی، تشکیل آن ضرورت دارد.^۳

در ارجاع به ضرورت جامعه زمینه‌ساز می‌توان این دو رویکرد را بیان کرد:

- ضرورت تشکیل جامعه زمینه‌ساز به مثابه تکلیف دینی

۱. درویشی، بررسی جهانی شدن و زمینه‌های مثبت و منفی آن در شکل‌گیری انقلاب جهانی حضرت مهدی (عجالت‌الله‌عنه)، ص ۳۳ و ۳۴.

۲. همان، ص ۵۴.

۳. همان.

در دین تکالیف متعددی وجود دارد که مکلفان را به انجام آن‌ها ملزم کرده‌اند. علاوه بر تکالیف شخصی، به تکالیف اجتماعی اشاره شده است و همچنین تکالیفی که هر شخص در قبال امام خود بر عهده دارد. انجام تکالیف، به منزله آمادگی برای ظهور حضرت است و از نوع وظایف فردی می‌باشد. فردی که خود را در قبال معرفت به امام، مسئول می‌داند و در پی کسب آمادگی برای حضور اوست، این احساس تکلیف در او انگیزه می‌شود که در جامعه غافل از معرفت امام و نیز غافل از وظیفه اجتماعی «امر به معروف و نهی از منکر» مردم را با معروف الهی آشنا سازد.^۱

• ضرورت تشکیل جامعه زمینه‌ساز به عنوان مقدمه ظهور

برای تحقق ظهور، نیازمند تربیت انسان‌های مؤمن هستیم و برای تشکیل جامعه زمینه‌ساز ظهور، نیازمند وجود جامعه‌ای به هم پیوسته از مؤمنان، با اهداف و برنامه‌های مشخص و همراه با روابطی منسجم هستیم، نه مؤمنانی که گوشه عزلت اختیار کنند. فرق «مؤمن» با «مؤمن مرتبط» در این است که شخص مؤمن، خود به تنهایی برای زمینه‌سازی ظهور، تلاش فردی آگاهانه یا غیرآگاهانه دارد و اسباب تأثیرات مستقیم را فراهم نمی‌کند؛ اما مؤمن مرتبط علاوه بر رشد آگاهانه خود موجب تأثیرگذاری مستقیم و همراه کردن عده‌ای با خود نیز می‌شود.^۲

اگر تحقق یک مؤمن زمینه‌ساز اثبات شود، ضرورت تشکیل جامعه زمینه‌ساز اثبات می‌گردد؛ بنابراین اگر تربیت افراد مؤمن، مقدمه ظهور و یک ضرورت است، آنچه مقدمه شکل‌گیری این مقدمات است نیز به حکم عقل، ضرورت دارد.^۳

لزوماً جامعه زمینه‌ساز، مختص شیعه نیست؛ اما جامعه‌ای می‌تواند زمینه‌ساز باشد که تحمل، ظرفیت و لیاقت امام معصوم را داشته باشد و ویژگی جامعه زمینه‌ساز مختص مسلمانان این است که فردی، جمعی، آگاهانه و ارادی، پا در عرصه فراهم آوردن مقدمات ظهور می‌گذارند که تأثیر آن به

۱. آیتی، مفهوم‌شناسی اصطلاح جامعه زمینه‌ساز، ص ۵۶-۵۹.

۲. همان، ص ۵۵.

۳. همان، ص ۵۶.

مراتب بیشتر است؛ ولی جامعه زمینه‌ساز غیرمسلمان، به صورت غیر ارادی، ناخواسته و غالباً فردی، که مسیر آن هم با کندی مواجه است پا در عرصه زمینه‌سازی ظهور می‌گذارد.^۱

در واقع در این پژوهش منظور از جامعه مطلوب دینی جامعه‌ای است که بر اساس آموزه‌های دینی شکل گرفته و ولایت از ارکان اصلی آن است. انسان‌های عضو این جامعه مکلف به انجام مسئولیت‌های دینی بر طبق امور شرعی هستند. اما در جامعه زمینه‌ساز علاوه بر داشتن ویژگی جامعه دینی و انجام تکالیف شرعی، باید بسترهای لازم را برای حاکمیت و بسط ید امام معصوم فراهم کنند و با این نگاه، جامعه زمینه‌ساز هدف، امید، پویایی، نقش و جایگاه مشخص دارد و صرف رفع تکلیف نیست.^۲

پس بین جامعه دینی و جامعه زمینه‌ساز به لحاظ مصداقی هیچ تفاوتی نیست؛ اما جعل این اصطلاح افزون بر اینکه ریشه روایی دارد،^۳ بار معنایی خاصی دارد که عبارت است از توجه ویژه به اندیشه مهدویت و نیز توجه به این معنا که تمام تلاش‌های مؤمنان باید با رویکردی مهدوی و با انگیزه ایجاد بسترهای ظهور باشد.^۴

در هر صورت، امروزه ضرورت زمینه‌سازی، اجماع عام دارد و عموم متفکران شیعی معاصر به این نگرش باور دارند. مبنا در این نگرش، قاعده علیت است و همچنین باور به سنت‌های آفرینش و قوانین حاکم بر عالم ماده که بر اساس آن، تحقق همه افعال و پدیده‌ها بدون فراهم کردن بستر و علت آن ممکن نیست و چون ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الیک جزو پدیده‌های انسانی و اجتماعی است، بی‌نیاز از مقدمه‌چینی و زمینه‌سازی نیست و نخواهد بود.

۱. همان، ص ۵۹-۶۱.

۲. همان، ص ۵۲-۵۳.

۳. ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸.

۴. آیتی، مفهوم‌شناسی اصطلاح جامعه زمینه‌ساز، ص ۵۲.

علت‌ها و عوامل را مختلف گفته‌اند. در یک پژوهش به دو دسته زمینه‌های فرهنگی و زمینه‌های اجتماعی اشاره شده است.^۱ در پژوهشی دیگر تحلیلی کامل‌تر و جامع‌تر ارائه می‌نماید و عوامل زمینه‌ساز را به سه دسته انسانی، فرا انسانی و ساختاری تقسیم می‌کند. عامل انسانی عبارت است از اراده فرد و اصلاح جامعه، عامل فرا انسانی عبارت است از امدادهای غیبی که شامل ملائکه، اجنه و ترس (نصر بالرعب) می‌شود و نیز عامل ساختاری که چهار دسته اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را در بر می‌گیرد.^۲

در پژوهشی با عنوان «مهدی یاوران» دو نتیجه اساسی برای تبیین ویژگی‌های یاوران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه ذکر شده که یکی از نتایج مربوط به زمینه‌سازی برای ظهور است. توضیح اینکه فرارسیدن روز سراسر مبارک ظهور، بسته به دو عامل اساسی است که منطقاً با فقدان هر یک از آن‌ها، قیام حضرت بی نتیجه خواهد بود. این دو عامل عبارتند از:

وجود زمینه مردمی: اگر در مردم احساس نیاز به امام شکل نگیرد، وقتی او بیاید، قدرش را نخواهند دانست و به راحتی او را تنها خواهند گذاشت؛ بلکه شاید علیه او شمشیر نیز بکشند، همان‌گونه که اغلب مردم با پیشوایان معصوم پیشین این چنین کردند.

فراهم آوردن یاران: همراهان کارآمد و توانمند که با فقدانشان، کار حکومت، هدایت و رشد به سامان نخواهد رسید. دانستن ویژگی‌های یاران حضرت و تلاش در راه کسب آن‌ها، در واقع تلاش برای زمینه‌سازی ظهور و فرارسیدن آن روز مبارک است.^۳

۱. نعمتی، تحلیل و بررسی مسأله لزوم یا عدم لزوم زمینه‌سازی برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الیه، ص ۱۷۲.

۲. درویشی، بررسی جهانی شدن و زمینه‌های مثبت و منفی آن در شکل‌گیری انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه، ص ۳۶.

۳. آیتی، مهدی یاوران، ص ۷۳.

یاری‌کنندگان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دو گروه هستند که در قیام آن حضرت مشارکت می‌کنند: گروه نخست، زمینه‌سازان که بستر ظهور و قیام را فراهم می‌سازند و گروه دوم، انصار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشند.^۱

در این مقاله بر اساس نگرش ضرورت داشتن زمینه‌سازی، پیش خواهیم رفت و بر خلاف نظریه ضرورت نداشتن زمینه‌سازی، این امر را منحصر در فرد نخواهیم دانست؛ بلکه جامعه به عنوان بستر اصلی تحولات و تحقق ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را در نظر خواهیم گرفت.

بر اساس آنچه گفته شد، تشکیلات زمینه‌ساز ظهور با اجتماع به مفهوم کلی آن تفاوت دارد. در اجتماع، افراد و نهادها حضور دارند و روابط اجتماعی برقرار است؛ ولی به صورت تشکیلاتی و منسجم و هدفمند نیست. جوامع دینی، لزوماً تشکیلاتی نیستند؛ چون ممکن است نسبت افراد با یکدیگر، تعریف شده و در راستای اهداف و فعالیت‌های خاص نباشد. تشکیلات زمینه‌ساز ظهور، تمام فعالیت‌های خود را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که در راستای امام‌محوری و بسط ید معصوم باشد. فعالیت‌های دینی متعدد، همین طور فعالیت‌های تشکیلاتی متعدد می‌توان انجام داد؛ ولی در تشکیلات زمینه‌ساز ظهور، فعالیت‌هایی تعریف می‌شوند که نسبت به فعلیت ظهور، حالت بالقوه داشته باشند و مستقیماً بتوانند در تحقق ظهور تأثیر بگذارند.

هماهنگی افراد و عدم فعالیت خارج از اهداف و وظایف مقرر شده، در تشکیلات زمینه‌ساز ظهور، نقش مهمی دارد. تشکیلات زمینه‌ساز، مدل کوچک‌تری از تشکیلات عظیم دولت کریمه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است و حکومت جهانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را الگوی خود قرار داده است که در رأس آن، شخص ولی معصوم، در وهله بعد، کارگزاران و در وهله سوم، ساختار کلی حکمرانی قرار دارد. در مدل تشکیلاتی دولت کریمه، همه اعضا و اجزا، همبستگی دارند و فعالیت‌ها تعریف شده است؛ لذا

۱. آیت الله محمد مهدی آصفی و تقی متقی، انتظار پویا (۲)، ص ۹۹.

تشکیلات زمینه‌ساز که در تلاش است به تشکیلات دولت کریمه جهانی پیوندد، باید به گونه‌ای باشد که هماهنگی هدف‌گرا و همبستگی ایمانی و عملی میان اعضای آن وجود داشته باشد.

نکته مهم دیگر در تبیین مفهومی تشکیلات زمینه‌ساز ظهور، وجود تنوع است. زمینه‌سازی شامل ابعاد مختلفی می‌شود؛ لذا باید از استعدادها و ظرفیت‌های مختلف در راستای فعالیت‌های شایسته‌محور و متناسب با حد ظرفیت و سطح توانمندی افراد بهره‌برد. یکی از الزامات تحقق هماهنگی در تشکیلات، وجود تنوع ظرفیت‌ها و شایستگی‌ها است که نسبت به یکدیگر نقش تکمیلی و اصلاح‌گرانه دارند و همگی در راستای اهداف واحد می‌کوشند و بدین ترتیب جلوه تحقق وحدت در کثرت هستند.

نکته دیگر اینکه تشکیلات زمینه‌ساز ظهور - چنانکه عنوان آن نشان می‌دهد - مفتخر به نام مهدویت است و مهدویت، شناسه و شناسنامه اصلی آن را رقم می‌زند. این تشکیلات زمینه‌ساز، با سایر تشکیلات دینی از این رو تفاوت دارد که هدف محوری آن، تحقق ظهور است. تشکیلات مسجد یا هیأت مذهبی یا گروه‌های جهادی، ماهیت دینی دارند و فعالیت آنان می‌تواند به عنوان ساز و کار تحقق ظهور، تأثیر داشته باشد؛ ولی ساختار، اهداف و ماهیت فعالیت اعضا در راستای تحقق ظهور نیست. تشکیلات زمینه‌ساز، به عنوان نمونه ماهیت جهانی دارد و در شعاع بین الملل و فراتر از جغرافیا، قوم و نژاد و مذهب فعالیت می‌کند؛ لکن همه تشکیلات دینی دارای چنین خصلتی نیستند.

با این تبیین مفهومی که صورت گرفت، می‌توان گفت: تشکیلات زمینه‌ساز ظهور، یک نوع سازمان به معنای جامعه شناختی آن است که ساختار، نسبت اعضا، نوع فعالیت و اهداف آن را زمینه‌سازی ظهور به عنوان تکلیف دینی و نیز ضرورت شیعه‌گری تعیین می‌کند. برای اینکه تمایز این گونه تبیین مفهومی از تشکیلات زمینه‌ساز ظهور با نگرش‌های دیگر (مثل نگرش فردمحور) روشن شود، نیاز است که فواید و ویژگی‌هایی برای آن تعریف شود. بدون وجود فواید و ویژگی‌ها، تمایز و تفاوت تشکیلات زمینه‌ساز ظهور، از مدل‌های دیگر روشن نخواهد گردید. بنابراین در دو قسمت پایانی مقاله، به این دو امر تمایزبخش اشاره خواهد شد.

۲. فواید جامعه زمینه‌ساز

از فواید رسیدن به جامعه زمینه‌ساز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. روشن و امیدبخش بودن آینده بشر؛

۲. مسئول بودن جامعه؛

۳. تلاش جامعه در راستای مسئولیت دینی خویش. این تلاش در مسیری است که به ظهور منجر

گردد و در نهایت موجب شتاب گرفتن روند آمادگی و آماده‌سازی خواهد شد.

پس از تعریف لغت و اصطلاح زمینه‌ساز و به دنبال آن پی بردن به مفاهیم جامعه زمینه‌ساز می‌توان مدلی مفهومی و کاربردی براساس ساختار آگاهانه و مشخصی همراه با روابطی کارآمد و منسجم از انسان‌هایی ترسیم کرد که هدف کلی مشخصی دارند. هر جامعه‌ای که می‌خواهد مقدمات امری مهم را در اجتماع انسانی شکل دهد، ملزم به بیان ویژگی‌ها و اهداف راهبردی است. با این توصیف، فواید جامعه زمینه‌ساز این است که امیدبخشی، مسئولیت و تلاش را به یک امر جمعی تبدیل می‌کند. امید، مسئولیت و تلاش می‌توانند فردی باشند؛ ولی آنچه در تحقق ظهور نقش دارد، باور به خصلت جمعی بودن آن‌ها و نیز عمل بر اساس این باور است.

۳. ویژگی‌های جامعه زمینه‌ساز

۱. برپایی قیام و انقلاب‌های ظلم‌ستیز و عدالت‌خواه؛^۱

۲. ایجاد بسترهای لازم برای آماده‌سازی فضای جهانی؛^۲

۳. اصلاح و خودسازی فردی و اجتماعی در بحث انتظار؛^۳

۱. همان، ص ۱۷.

۲. همان، ص ۸۷.

۳. مکارم شیرازی، ص ۱۰۵ و زروندی و همکاران، تحلیلی دینی بر فرهنگ انتظار، ص ۸۷ و نعمانی الغیبه، ص ۱۸۴ و ۲۰۰ و ۲۵۱ و ۲۵۵ و ۳۰۶؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۴۱ و ۶۴۵.

۴. گسترش نظارت عمومی و فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر برای هدایت انسان‌ها در همه

ابعاد.^۱

۵. ایجاد بسترهای لازم برای تحقق حاکمیت امام؛^۲

۶. جهت‌دهی و توسعه باورهای فرهنگی جامعه؛^۳

۷. خواستار تحول جامعه بشری؛^۴

۸. کاربرد مبانی علم اخلاق با رویکرد اخلاق زمینه‌ساز در جامعه؛^۵

۹. تفهیم لزوم و ضرورت تأسیس و حفظ حکومت اسلامی و دینی در جامعه؛^۶

۱۰. مطرح کردن و تشریح مباحث ولایت فقیه؛^۷

۱۱. ایجاد و تحکیم وحدت بین جوامع مختلف با هدف یکسان؛^۸

۱۲. جهت‌گیری تمام فعالیت‌ها به سمت آماده‌سازی زمینه‌های ظهور؛^۹

۱۳. تقویت فرهنگ سبک زندگی زمینه‌ساز؛^{۱۰}

۱۴. جهان‌شمولی بودن نظام تربیتی و اخلاقی زمینه‌ساز؛^{۱۱}

۱۵. تأثیر فرهنگ و جامعه بر اساس ارتباط دیالکتیکی؛^{۱۲}

۱. همان.

۲. آیتی، مفهوم‌شناسی اصطلاح جامعه زمینه‌ساز، ص ۵۳.

۳. همان.

۴. هرسیچ، راه‌های زمینه‌ساز جامعه برای انتظار مهدی عجل الله تعالی فرجه، ص ۱۶.

۵. گودرزی، مؤلفه‌های راهبردی اخلاق و سبک زندگی زمینه‌ساز، ص ۸۹.

۶. همان، ص ۱۹.

۷. همان.

۸. همان، ص ۱۱.

۹. ملکی راد، زمینه‌سازی و آمادگی برای ظهور، ص ۷.

۱۰. همان، ص ۹۱.

۱۱. همان، ص ۱۰۰.

۱۲. بیچرانلو، توسعه عدالت‌زبانی، راهبرد رسانه برای ایجاد جامعه زمینه‌ساز، ص ۳۰.

۱۶. گسترش عدالت زبانی در جامعه از سوی رسانه‌ها با رویکرد قرآنی؛^۱

۱۷. حاکم بودن رویکرد دینی بر نظام آموزشی؛^۲

۱۸. ایجاد اتاق فکر فرهنگی و مدیریت کلان در عرصه فرهنگ؛^۳

۱۹. ایجاد روح امید و پیشرفت در جامعه؛^۴

۲۰. تنظیم مناسبات دینی با نیازهای اجتماعی با رویکرد مهندسی فرهنگی؛^۵

۲۱. ترمیم فرهنگ موجود براساس فرهنگ مطلوب (مهدویت)؛^۶

چنانکه مشخص شده است، همه ویژگی‌های تشکیلات زمینه‌ساز ظهور، در تبیین مفهومی آن دخالت دارند. این ویژگی‌ها به صورت انفرادی، سبب تمایز نیست؛ بلکه من حیث المجموع باید در تشکیلات لحاظ شود تا قوام مفهومی آن و نیز دستیابی به اهداف میسر شود.

۱. همان، ص ۴۴ و ۴۵.

۲. زروندی و دیگران، تحلیلی دینی بر فرهنگ انتظار در جامعه زمینه‌ساز ظهور، مجله مشرق موعود، شماره ۳۵، پاییز ۱۳۹۴، ص ۹۷.

۳. حسین هرسیچ، «راه کارهای زمینه‌ساز جامعه برای انتظار مهدی عجله»، نشریه مهندسی فرهنگی، سال ششم، شماره ۵۹ و ۶۰، آذر و دی ۱۳۹۰، ص ۱۳-۱۶.

۴. همان، ص ۱۵.

۵. همان.

۶. همان.

نتیجه‌گیری

مسئله اصلی در این مقاله، تبیین مفهوم تشکیلات جامعه زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیوم است. واژه تشکیلات جزو واژگان کلیدی است که در دوره معاصر وارد ادبیات سیاسی و اجتماعی کشور شده است. منظور از تشکیلات، یک گروه و مجموعه انسانی است و معمولاً در عرف همین معنا از تشکیلات برداشت می‌شود. نزدیک‌ترین واژه به تشکیلات، واژه «سازمان» است. تعریف سازمان و تشکیلات به طور تقریبی یکسان است و آنچه درباره سازمان و مؤلفه‌های آن گفته شده، عیناً درباره تشکیلات می‌توان به کار برد. تعریف تشکیلات بر اساس تعاریف به دست آمده از سازمان، عبارت است از مجموعه افرادی که در ساختار آگاهانه و مشخصی از همکاری کارآمد برای تحقق اهداف معین همراه با فعالیت خاصی هستند.

در تعریف زمینه‌سازی باید گفت: زمینه‌سازی آماده کردن خود و جامعه و فراهم ساختن لوازم، عوامل و شرایط یک خیزش عمومی و جهانی و حرکت به سمت تشکیل جامعه فاضله اسلامی به رهبری مصلح کل و منجی موعود، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیوم می‌باشد که مستلزم کار سیاسی قوی و فراگیر است و انقلاب اسلامی ایران، می‌تواند طلوعه مبارکی برای این امر باشد. در مفهوم زمینه‌سازی، دو مؤلفه اهتمام به وظایف و تکالیف و ایجاد همه اسباب و بسترهای ظهور نهفته است. اهتمام به وظیفه و بسترسازی، باعث تحول و آماده‌سازی جامعه خواهد شد و به خروج از دوران غیبت و وصول به دوران ظهور خواهد انجامید.

جامعه زمینه‌ساز به جامعه‌ای گویند که بسترهای حاکمیت و بسط ید معصوم را فراهم کرده باشد. بسط ید معصوم و تحقق حاکمیت جهانی، مستلزم وجود جامعه‌ای است که زمینه‌سازی ظهور به عنوان محور اهداف و فعالیت‌ها در آن نهادینه شده باشد.

در باب ضرورت جامعه زمینه‌ساز، دو برداشت هست. این دو برداشت را به این صورت می‌توان بیان کرد که دو نگرش به زمینه‌سازی فردی و اجتماعی وجود دارد؛ در نگرش اول، زمینه‌سازی ضرورت

دارد و از طریق ایجاد مقدمات در فرد و جامعه تحقق می‌یابد. در نگرش دوم، زمینه‌سازی ضرورت ندارد؛ چون به صورت ناگهانی، به امر و امداد غیبی خداوند و بدون نیاز به علل اجتماعی شکل می‌گیرد.

نگرش ضرورت داشتن زمینه‌سازی، امروزه اجماع عام دارد و عموم متفکرین شیعی معاصر به این نگرش باور دارند. مبنا در این نگرش، قاعده‌ی علیت است و همچنین باور به سنت‌های آفرینش و قوانین حاکم بر عالم ماده که بر اساس آن تحقق همه افعال و پدیده‌ها بدون فراهم کردن بستر و علت آن ممکن نیست و چون ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الیه جزو پدیده‌های انسانی و اجتماعی است بی‌نیاز از مقدمه‌چینی و زمینه‌سازی نیست و نخواهد بود.

تشکیلات زمینه‌ساز ظهور، تمام فعالیت‌های خود را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که در راستای امام‌محوری و در راستای بسط ید معصوم باشد. فعالیت‌های دینی متعدد، همین طور فعالیت‌های تشکیلاتی متعدد می‌توان انجام داد؛ ولی در تشکیلات زمینه‌ساز ظهور، فعالیت‌هایی تعریف می‌شوند که نسبت به فعلیت ظهور، حالت بالقوه داشته باشند و مستقیماً بتوانند در تحقق ظهور تأثیر بگذارند.

در مدل تشکیلاتی دولت کریمه، همه اعضا و اجزا، همبستگی دارند و فعالیت‌ها تعریف شده است؛ لذا تشکیلات زمینه‌ساز که در تلاش است تا به تشکیلات دولت کریمه جهانی بپیوندد، باید هماهنگی هدف‌گرا و همبستگی ایمانی و عملی بین اعضای آن وجود داشته باشد.

یکی از الزامات تحقق هماهنگی در تشکیلات، وجود تنوع ظرفیت‌ها و شایستگی‌ها است که برای یکدیگر نقش تکمیلی و اصلاح‌گرانه دارند و همگی در راستای اهداف واحد می‌کوشند و بدین ترتیب جلوه تحقق وحدت در کثرت هستند.

تشکیلات زمینه‌ساز، با سایر تشکیلات دینی از این جهت تفاوت دارد که هدف محوری آن، تحقق ظهور است. تشکیلات مسجد یا هیأت مذهبی یا گروه‌های جهادی، ماهیت دینی دارند و فعالیت آنان می‌تواند به عنوان ساز و کار تحقق ظهور تأثیر داشته باشد؛ ولی ساختار، اهداف و ماهیت فعالیت اعضا در راستای تحقق ظهور نیست. تشکیلات زمینه‌ساز، به عنوان نمونه ماهیت جهانی دارد، و در

شعاع بین الملل و فراتر از جغرافیا، قوم و نژاد و مذهب فعالیت می‌کند؛ لکن همه تشکیلات دینی دارای چنین خصلتی نیستند.

تشکیلات زمینه‌ساز ظهور، یک نوع سازمان به معنی جامعه شناختی آن است که ساختار، نسبت اعضا، نوع فعالیت و اهداف آن را زمینه‌سازی ظهور به عنوان تکلیف دینی و نیز ضرورت شیعه‌گری تعیین می‌کند. وجود فواید و ویژگی‌های تشکیلات زمینه‌ساز ظهور، سبب تمایز مفهومی آن نسبت به سایر مدل‌ها است. فواید و ویژگی‌های تشکیلات که امور فردی را به امور جمعی تبدیل می‌کنند، آن‌گاه که در حوزه عمل تحقق می‌یابد، به طور مستقیم در تحقق ظهور نقش دارد و جامعه عصر غیبت را به جامعه عصر ظهور پیوند می‌زند. تشکیلات زمینه‌ساز ظهور، در حقیقت رابط و واسط میان عصر غیبت و ظهور است و عامل اساسی در برون‌رفت شیعیان از وضع غیبت و ایجاد فرج جهانی می‌باشد.

منابع

۱. آقاپیروز، علی و دیگران، *مدیریت در اسلام*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۹۴.
۲. اصفهانی، راغب، *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن یا تفسیر لغوی و ادبی قرآن*، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۴ /
۳. بستانی، فؤاد افرام، *المنجد*، تحقیق احمد سیاح، اسلامی، تهران، ۱۳۷۲ /
۴. پور سیدآقایی، مسعود و دیگران، *درسنامه تاریخ عصر غیبت*، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۷ /
۵. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، ۴۳ جلد، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷ /
۶. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، *کمال الدین و تمام النعمة*، ترجمه منصور پهلوان، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۸ /
۷. طوسی، محمد بن حسن، *الغیبة*، مترجم مجتبی عزیزی، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۷ /
۸. کوئن، بروس، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل، سمت، تهران، ۱۳۸۸ /
۹. مکارم شیرازی، ناصر، *حکومت جهانی مهدی*، نسل جوان، قم، ۱۳۸۰ /
۱۰. ملکی راد، محمود، *خانواده و زمینه‌سازی ظهور*، پژوهشگاه علوم و فرهنگی اسلامی، قم، ۱۳۹۵ /
۱۱. موسوی خمینی، روح الله، *صحیفه نور*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۰ /
۱۲. نبوی، محمد حسن، *مدیریت اسلامی*، بوستان کتاب، قم، ۱۳۷۳.

کتب عربی

۱۳. ابن حیون، تعمان بن محمد، *شرح الاخبار*، النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۹ق.
۱۴. ابن ماجه، محمد بن یزید، *السنن*، دار إحياء الكتب العربية، بی تا، بی جا.
۱۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دارصادر، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۱۴ق.

۱۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم (ابن ابی زینب)، الغیبة، مكتبة الصدوق، تهران، ۱۳۹۷ق.

مقالات و مجلات

۱۷. آصف آگاه، محمدرضی، بررسی شاخص‌های جامعه زمینه‌ساز ظهور با تأکید بر روایات

نصرت، فصل‌نامه انتظار موعود، شماره ۳۹، زمستان ۱۳۹۱.

۱۸. آصفی، محمدمهدی و متقی، تقی، انتظار پویا (۲)، مجله انتظار، شماره ۷، ۱۳۸۲

۱۹. آیتی، نصرت‌الله، مفهوم‌شناسی اصطلاح جامعه زمینه‌ساز، فصل‌نامه مشرق موعود، شماره

۲۰، زمستان / ۱۳۹۰

۲۰. آیتی، نصرت‌الله، مهدی‌یاوران، فصل‌نامه انتظار موعود، شماره ۳، بهار ۱۳۸۱.

۲۱. بیچرانلو، عبدالله، توسعه عدالت زبانی؛ راهبرد رسانه برای ایجاد جامعه زمینه‌ساز،

فصل‌نامه مشرق موعود، شماره ۱۸، تابستان / ۱۳۹۰

۲۲. پورسیدآقایی، زمینه‌سازی ظهور، فصل‌نامه مشرق موعود، شماره ۱۰، تابستان / ۱۳۸۸

۲۳. جوان آراسته، حسین، امت و ملت نگاهی دوباره، مجله حکومت اسلامی، شماره ۱۶،

۱۳۷۹.

۲۴. شفیعی، عباس، رویکرد دینی به سازماندهی، فصل‌نامه حوزه و دانشگاه علوم انسانی-

اجتماعی، علمی تخصصی، شماره ۳۷، ۱۳۸۲

۲۵. صمدی، قنبرعلی، بایسته‌های ظهور، فصل‌نامه مشرق موعود، شماره ۵، ۱۳۸۷

۲۶. گودرزی، غلامرضا، مؤلفه‌های راهبردی اخلاق و سبک زندگی زمینه‌ساز، فصل‌نامه مشرق

موعود، شماره ۳۱، پاییز / ۱۳۹۳

۲۷. هرسیچ، حسین، راه‌کارهای زمینه‌ساز جامعه برای انتظار مهدی، نشریه مهندسی فرهنگی،

سال ششم، شماره ۵۹ و ۶۰، آذر و دی ۱۳۹۰.

پایان نامه

۲۸. ثقفی، محمدرضا، الگوی مطلوب جامعه منتظر و زمینه‌ساز از دیدگاه مقام معظم رهبری، قم، مرکز تخصصی مهدویت، کد / ۳۳۷
۲۹. درویشی، امید، بررسی جهانی شدن و زمینه‌های مثبت و منفی آن در شکل‌گیری انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریع، قم، مرکز تخصصی مهدویت، کد ۳۲۰.
۳۰. نعمتی، خلیل، تحلیل و بررسی مسئله لزوم یا عدم لزوم زمینه‌سازی برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریع، قم، مرکز تخصصی مهدویت، کد ۳